

## کودکانه

ندا عروضی  
دانش آموز

### بخشش، رسم عاشقان است

عاشق شدن، عیب نیست و عاشق، گناه کار نیست. عشق، معیوب نیست بلکه آرزوییست که همگان برای برآوردنش، تلاش بسیار کرده‌اند اما موفقیت، نصیب هر کسی نشده و نمی‌شود. کسی که بخواهد عاشق باشد، باید سالم باشد و بهترین چیزها را برای همگان بخواهد و بی‌درنگ باید راست گو و درست کار باشد. کسی که ادعا می‌کند عاشق شده، نباید بر گناهانش بیفزاید و به دیگران ظلم کند زیرا عشق، کمیتی پاک است و با خود، پاکی را به ارمغان می‌آورد. عاشق دوست دارد زیر باران قدم بزند چون باران هم پاک است اما بیش از همه، عاشق واقعی پاک است و معشوق باید با دلی سرشار از دوستی، قلب عاشق را پذیرا باشد و به آن لطف و بخشش عطا نماید زیرا بخشش، رسم عاشقان است و عاشق در همه حال بخشنده است.



### بچه‌های عزیز!

شما می‌تونین از این به بعد هر مطلب قشنگ و ادبی یا داستان که دوست دارین، مثل این دوستانمون برامون بنویسین و به آدرس پستی مجله (تهران، صندوق پستی ۸۸۶-۱۹۶۱۵) یا از طریق ایمیل (sarmady@shadkami.com) بفرستین تا با عکس و اسم خودتون، چاپ بشه.

## ضرب المثل

### آب‌شان از یک جوی نمی‌رود

هر گاه بین دو یا چند نفر، در موردی، توافق و سازگاری وجود نداشته باشد، به عبارت بالا استناد و استشهاد می‌کنند. در قدیم که شهرها لوله‌کشی نشده بود، ساکنان هر شهر برای تأمین آب مورد احتیاج خود، از آب رودخانه یا چشمه و قنات که اغلب در جوی‌های سرباز جاری بود، استفاده می‌کردند. به این ترتیب که اول هر ماه یا هفته‌ای یک بار، حوض‌ها و آب‌انبارها را با آب جوی کوچه پر کرده و از آن برای شرب، شست‌وشو و نظافت استفاده می‌کردند. طبیعی‌ست در یک محله که ده‌ها خانه دارد و همه مجبورند از آب یک جوی در دل شب استفاده کنند، چنان‌چه بین افراد خانواده‌ها سازگاری وجود نداشته باشد، هر کس می‌خواهد زودتر آب بگیرد. همین عجله و شتاب‌زدگی و عدم رعایت تقدم و تأخر، موجب مشاجره و منازعه خواهد شد. شب‌های آب نوبتی در محله‌های تهران، واقعاً تماشایی بود؛ زن و



مرد و پیر و جوان، از خانه‌ها بیرون می‌آمدند و چنان قشقرقی به راه می‌انداختند که هیچ‌کس نمی‌توانست تا صبح بخواهد. کم‌تر دیده شده بود دو نفر که از یک جوی، آب می‌بردند، از هم راضی باشند و بیش‌تر مواقع بین دو شریک، شکراب می‌شد.



## درسخت ترین شرایط زندگی

# نباید یاد خدا را فراموش کنیم

روزی از روزها «داریوش» پادشاه تصمیم گرفت یکصدویست استاندار در سراسر امپراتوری خود منصوب نماید. سه وزیر هم به سرپرستی آنان منصوب کرد که تمام فرمانداران، حساب‌های خود را به ایشان پس بدهند تا هیچ ضرری به پادشاه نرسد که یکی از آنان «دانیال» بود.

«دانیال» از وزیران و فرمانداران دیگر، مهم‌تر شده بود زیرا دارای هوش و ذکاوت بیش‌تری بود. پادشاه در نظر داشت تا «دانیال» را مسؤول تمام امپراتوری خود گرداند.

اما وزیران و فرمانداران دنبال بهانه‌ای می‌گشتند تا در اداره‌ی امور مملکتی، از «دانیال» شکایت کنند چون «دانیال» کاملاً امین و درست‌کار بود و هرگز خطایی از او سر نمی‌زد، پس به یکدیگر گفتند ما نمی‌توانیم هیچ نقطه‌ضعفی در او پیدا کنیم مگر این‌که درباره‌ی قوانین مذهبی و خدای او بهانه‌ای به‌دست بیاوریم.

پس پیش پادشاه رفته و پس از تمجید و تکریم، از او خواستند تا فرمانی صادر کند؛ فرمان صادره این بود که به‌مدت سی‌روز هر کس از شخصی جز «داریوش» پادشاه، حاجتی درخواست نماید، در چاه شیران افکنده شود.

وقتی «دانیال» متوجه شد که این فرمان صادرشده، به خانه‌اش رفت و هم‌چون گذشته به عبادت و پرستش خدای خود پرداخت.

وقتی دشمنان او را دیدند، به حضور پادشاه رفته و گفتند: «مگر فرمان ندادید که هر کس تا سی‌روز به‌غیر از شما از خدا یا دیگری حاجتی بخواهد، در چاه شیران انداخته شود؟»

پادشاه پاسخ داد: «بلی، درست است و این فرمان طبق قانون، تغییر نمی‌پذیرد.»

بنابراین پادشاه دستور داد تا «دانیال» را گرفته و در چاه شیران بیندازند.

پادشاه به دانیال گفت: «ای دانیال! امیدوارم خدایی که تو پیوسته او را پرستش می‌کنی، نجات دهد.»

آن‌گاه سنگی آورده و بر دهانه‌ی چاه گذاشتند.

پادشاه صبح زود، بلند شد و باعجله بر سر چاه شیران رفت. وقتی بر سر چاه رسید، «دانیال» را صدا زد و گفت:

«ای دانیال! آیا خدایی که پیوسته او را پرستش می‌کنی، توانسته تو را نجات دهد؟»

«دانیال» جواب داد: «پادشاه پاینده باد! خدا فرشته‌ی خود را فرستاد و او دهان شیران را بسته تا به من صدمه‌ای

نرساند زیرا من در پیشگاه او گناهی نکرده‌ام و در حضور تو خطایی مرتکب نشده‌ام.»

پادشاه دستور داد او را از چاه بیرون بیاورند.

وقتی «دانیال» را از چاه بیرون کشیدند، دیدند که به او هیچ صدمه‌ای نرسیده است.

شجاعت، اعتماد و توکل «دانیال» به خدا باعث شد تا از این آزمایش، سربلند بیرون آید.

پس حتی در سخت‌ترین شرایط زندگی هم نباید یاد خدا و توکل به او را فراموش کنیم.